

بررسی گونه های نقش های حمایتی زنان از ولایت در سالهای ۱۸۳ تا ۲۵۴ هجری

حکیمه حسینی*

چکیده

نقش یاریگرانه زنان شیعی یکی از مباحث مهم در عرصه پژوهش است و با پردازش به این موضوع می توان تعدادی از زنان شیعی را که ناشناخته و یا در حاشیه مانده اند جهت الگوگیری مناسب برای زنان عصر حاضر شناسایی و معرفی نمود. مسأله اساسی، چگونگی نقش زنان شیعه در سال های ۱۸۳ تا ۲۵۴ در کنار نقش همسررداری و فرزند پروری است. با رجوع به منابع تاریخی، رجالی و روایی تلاش شده تا به چگونگی نقش زنان یاریگر در این بازه زمانی دست یافته و با تحلیل و بررسی اطلاعات به دست آمده به گونه شناسی نقش های یآوری آنان پرداخته شود. بر اساس دستاورد نوشتار فراوری، زنان نقش های دیگری در قالب محوّل، محقّق و انتسابی در جایگاه محدّثه، کنیز و درباری - در اجتماع و خارج از منزل - برای مساعدت امامان خویش ایفا می کردند. البته موقعیت اجتماعی و سیاسی ائمه(ع) و کیفیت برخورد دستگاه حاکمه با هر امام (ع) و شیعیان وی زمینه ساز ظهور و بروز نقش یآوری زنان می گشت به این معنا که تشدید نظارت و سختگیری بر اصحاب ائمه(ع) و محدود کردن دایره فعالیت مردان از سوی حکومت، موجب حضور پر رنگ تر زنان در حمایت و یاریگری امام(ع) می شد. یآوری این بانوان با توجه به اوضاع سیاسی اجتماعی عصر مامون عباسی می توانست بیش از دیگر اعصار اهمیت داشته باشد اما با مرگ مامون در عصر امام جواد(ع) و امام هادی(ع) مجال بروز نیافت.

کلیدواژگان: زنان شیعه، محدثات، ولایت، نقش های یاریگرانه، سال های ۱۸۳ - ۲۵۴ ه ق.

* دانش آموخته سطح سه تاریخ اسلام، دستیار پژوهش جامعه الزهرا(س)، ۰۹۱۱۵۶۵۶۷۶۲، hhossieni۷۱@gmail.com

مقدمه

رهبران و حاکمان هر جامعه ای برای پیشبرد مقاصد خود نیازمند کمک و یاری پیروان خویش هستند از این روی امامان - علیهم السلام - نیز به عنوان رهبران و پیشوایان شیعیان بالتبع نیاز به کمک و یاری شیعیان - اعم از زن و مرد - داشتند لذا برخی از مردان و زنان شیعه در عرصه های گوناگون به آنان یاری رساندند. مساعدت امامان در مسأله ولایت یکی از کنش های جدی شیعیان در طول تاریخ بوده است بدین لحاظ زنان شیعه نیز همچون مردان امامان را یاری نموده اند اما پژوهندگان شیعه تنها به واکاوی شخصیت مردان بسنده نموده و تعدادی نیز به مادران، دختران و همسران ائمه پرداخته اند به گونه ای که دیگر زنان موثر جامعه در حاشیه قرار گرفتند و با عدم بررسی این زنان به نظر می رسد زنان شاخص دیگری غیر از مادران، همسران و دختران ائمه وجود ندارد. لذا با پژوهش پیش رو ضرورت و اهمیت این تحقیق آشکار می گردد. گفتنی است زنانی بودند که با فعالیت در عرصه سیاست و فرهنگ بدون رویکرد دینی نامشان با عنوان زنان نامدار ثبت شد ولی در بین این زنان، بانوان شیعی بودند که چه بسا نقشی والاتر از آنان با رویکرد ولایی و دینی ایفا نموده اند و یادی از آنان نشده است بدین جهت سعی شده با پررنگ نمودن نقش آنان در یاری ولایت گوشه ای از جایگاه آنان در جامعه اسلام و شیعی عرضه گردد. هدف از نگاشته حاضر بررسی جایگاه یاریگرانه زنان از ولایت با نگرشی به انواع آن از سال های ۱۸۳ تا ۲۵۴ همزمان با امامت امام رضا امام جواد و امام هادی (علیهم السلام) می باشد، با شناخت نقش یاریگرانه زنان بعضی از مسائل در زمینه جایگاه اجتماعی آنان از جمله محدوده فعالیت های سیاسی و اجتماعی زنان روشن می شود و ما را جهت رسیدن به الگویی مناسب برای زنان عصر کنونی یاری می کند. تالیفات به دست آمده در مورد زنان شیعه و علوی به دو دسته تقسیم می شود:

الف: منابع عام

این منابع در کنار پرداختن به مردان اشاره ای هم به زنان داشته اند اما نه به گستردگی مردان بلکه بخش مختصری با عنوان «باب النساء» را به شرح حال زنان اختصاص داده اند. اکثر این منابع، رجالی است همچون رجال نجاشی، رجال کشی، غیر از منابع رجالی منابع دیگری همانند اعیان الشیعه، وفيات الاعیان و فوات الوفيات هستند که در کنار شرح حال ائمه، علما عرفا و وزرا به بعضی از بانوان شیعه اشاره ای نموده اند به عنوان مثال سید محسن امین در اعیان الشیعه در لابه لای معرفی علما و عرفای شیعی به برخی زنان نیز پرداخته است.

ب: منابع خاص

این دسته از منابع هر چند مختص بانوان است اما فقط به شرح حال و نام و کنیه برخی زنان و با عنایت به گروهی خاص پرداخته اند به عنوان نمونه کتاب های بلاغات النساء، محدثات شیعه، اعلام النساء، نساء الشہیرات هیچ یک به تحلیل و بررسی جایگاه زنان نپرداخته اند. بدین ترتیب می توان گفت هیچ منبع مستقلی در مورد نقش زنان نگاشته نشده است به جز آثاری چند که به طور مستقل به یک یا چند بانو مانند مادر پیامبر - صلی الله علیه و اله - یا مادر امام - علیه السلام - پرداخته اند.

لازم به ذکر است برای دستیابی به ویژگی زنان می توان از منابع تاریخی و حدیثی مدد جست برای مثال قمی در کتاب تاریخ قم در کنار فعالیت های خاندان اشعریون و نوبختی بخشی را به زندگانی حضرت معصومه و ورود وی به قم اختصاص داده است و یا بغدادی در کتاب تاریخ بغداد در کنار وقایع بغداد بخشی را به زنان دربار عباسی اختصاص داده است.

در تحقیق پیش رو علاوه بر بررسی مختصری از روایات محدثات در سال های یاد شده، به نقش زنان غیر راوی پرداخته شده که همگی ما را در رساندن به هدف اصلی مقاله یاری می کنند.

مفهوم شناسی

از جمله مفاهیمی که در پیشبرد پژوهش فراییش موثر است عبارتند از: نقش، حمایت و تقیه. اینک به تعریف هر یک می پردازیم:

نقش

در لغت به معنای اثر، رد پا، نگارش و کندن نگین است و نشان و اثر گذاشتن روی زمین معنای دیگر این واژه است. (ازهری، ۱۳۸۲، ج ۸، ص ۲۵۶) در اصطلاح جامعه شناسان رفتارهایی را می گویند که از فرد به مناسبت احراز یک پایگاه معین اجتماعی انتظار می رود (بروس کوئن، ۱۳۷۲، ص ۸۳) یعنی ابتدا باید جایگاه فرد در یک گروه احراز شود تا نقش وی مشخص گردد برای نمونه زن در دو پایگاه همسری و مادری برانگیزاننده ی دو نوع انتظار است و دو نقش از او انتظار می رود. در پایگاه همسری از فرد انتظار حمایت می رود و در پایگاه مادری انتظار مهر و محبت و فداکاری. از منظر جامعه شناسی نقش های افراد به سه دسته تقسیم می گردد: ۱- نقش محوّل: نقشی است که بر اساس هنجارهای اجتماعی جامعه به فرد محول و واگذار می شود و دیگران از او انتظار اجرای آن نقش را دارند مانند نقش پزشک که درمان بیمار است و بر اساس قوانین خاصی به وی داده شده است. ۲- نقش محقّق: نقشی است که از طرف جامعه به فرد داده می شود اما فرد با ذوق و سلیقه خود در آن تصرف کرده و تغییراتی ایجاد می کند مانند: نقش محقّق پزشک که در درمان به کار می برد. پزشک با بالابردن سطح مداوای بیمار می تواند دایره فعالیت خود را از مطب به خانواده بیمار ارائه دهد ۳- نقش انتسابی: نقشی است که به طور طبیعی یا به وسیله دیگران برای فرد تعیین می گردد و تغییر دادن آن خصوصاً در جوامع سنتی بگرنج است مانند شخصی که در یک خانواده فرهیخته به دنیا می آید و از یک نقش جلیل بهرمند می شود چنین نقشی بستگی به خانواده و نسب افراد دارد. (نیک خلق و منصوری، ۱۳۷۸، ص ۲۰۵) در نوشته حاضر از هر سه نوع نقش به معنای جامعه شناسی استفاده خواهد شد.

حمایت

در لغت از حَمَى، یَحْمِی اتخاذ گشته و بر وزن فَعَلَ یَفْعِلُ است که به معنای طرفداری، یاری، نصرت، اعانت، پشتیبانی و تقویت است و نزدیک ترین معنا به آن پشتیبانی و دفاع کردن از کسی است. (ابن منظور، ۱۹۸۸م، ج ۱۴، ص ۱۹۸)

در اصطلاح روان شناسان: رفتاری است که به قصد کمک کردن به دیگران صرفاً به خاطر نوع دوستی و نه به منظور رسیدن به منفعت های خاصی انجام می پذیرد. از این رو حمایت به دلیل تنوع نیازهای انسان می تواند اشکال گوناگونی داشته باشد؛ گاهی مالی، زمانی روحی و عاطفی، و گاه خدماتی و عملی است. حمایت مالی عمدتاً با اعطای صدقه، انفاق، هدیه و قرض الحسنه صورت می گیرد. حمایت عاطفی همان همدلی است و در قالب رفتارهایی همچون ابراز محبت، نوازش و... انجام می گیرد البته حمایت عاطفی گاهی دو حمایت مذکور را در برمی گیرد طوری که اگر شخصی به فرد ناتوانی کمک مالی و بدنی کند به وی از طریق کمک بدنی و اقتصادی ابراز محبت نموده است. (مسعود آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۳۳۳)

تفاوت حامی و یاور

حامی: اسم فاعل از ماده حَمَی است، حَمَی مکانی است که از آن محافظت می شود و به کسی که درجنگ از اصحاب خود محافظت می کند حامی گفته می شود (فراهیدی، ج ۳، ص: ۳۱۳) و در لغت به معنای حافظ، نگهبان و نگهدار نیز آمده است (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۱۶۲ / ج ۵، ص ۳۳۳). یاور: معادل فارسی کلماتی همچون: مساعد، مساعدۀ، موالی، متعاون و مناصر است که به معنای مناسب، یار، موافق، کمک، یاران، هم عهد، هم پیمان و یاری کردن یکدیگر می باشد. (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۱۲۸) هر چند در بیشتر موارد یاور و حامی مترادف همدیگر محسوب می شوند اما با ریشه یابی این دو کلمه متوجه می شویم حامی و مدافع به معنای محافظت نمودن از چیزی است ولی یاری و یآوری به معنای کمک کردن شخص در امری مهم می باشد بدین لحاظ امامان علیهم السلام نیز برای پیشبرد مقاصد خود نیاز به کمک و یاری نمودن داشتند نه نیاز به محافظت نکته دوم همانطور که ملاحظه شد حمایت و دفاع مربوط به شخصی است که مقامش از حمایت شونده بالاتر باشد و در مورد ائمه علیهم السلام به کار نمی رود.

بنابراین با دقت لغوی ذکر شده، در نوشتار حاضر از استعمال کلمه حمایت صرف نظر شده و از واژگان یاری، یاریگری و یآوری استفاده خواهد شد.

تقیه

در لغت از تَقَیَ بر وزن فعیله بوده و به معنای نگاه داشتن، پرهیز کردن و پنهان نمودن است. (ابن اثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۹۳) تقیه از مباحث مهم کلامی در آموزه های شیعی است و در مواقع زیادی به عنوان یک سیاست از سوی ائمه علیهم السلام اتخاذ می شد. گرچه در بیشتر منابع مستشرقان تقیه معادل سکون و سکوت دانسته می شود (رک: دایره المعارف بزرگ اسلامی، ذیل مدخل امام سجاد و امام باقر علیهم السلام) اما این معادل گذاری درست نیست.

متکلمان شیعی برای تقیه تعاریف متعددی ارائه داده اند:

- ۱- شیخ مفید (م: ۴۱۳ق): تقیه پنهان کردن حق و پوشاندن اعتقاد به آن در برابر مخالفین به منظور اجتناب از ضرر دینی یا دنیایی است. (مفید، ۱۳۷۲ه، ص ۱۳۷)

۲- طبرسی(م: ۵۴۸ق): از ترس جان چیزی را با زبان اظهار کنی که قلب آن را پنهان کرده است.(طبرسی، ۱۳۷۳ق، ج ۲، ص ۷۲۹)

۳- شیخ انصاری(م: ۱۲۸۱ق): نگهداری خود از صدمه دیگری است از راه ابزار موافقت با او در گفتار یا رفتاری مخالف حق(انصاری، ۱۲۸۰ه، ص ۳۷)

طبق تعاریفی که از تقیه ارائه شد می توان گفت: شیعیان با این عمل برخی از عقاید و باورهای خود را در شرایط خاص مانند ترس از حاکمان ظالم و یا مدارا نمودن با دیگر فرقه های اسلامی انکار می کردند به شرط این که مصالح مهم دینی و دنیایی وجود داشته باشد و یا حفظ جان، مال و آبروی مسلمانان به آن وابسته باشد در کل می توان گفت تقیه یکی از اموری است که شیعیان در عصر حضور ائمه - علیهم السلام - برای حفظ جان امام و خویش و مصالح دیگر دینی بیش از دیگر مذاهب به آن اهتمام می ورزیدند.

مروری بر وقایع سال های ۱۸۳ - ۲۵۴ه ق

برای ممیز ساختن نقش یاریگرانه زنان از ولایت نیاز به شرح مختصری از اوضاع سیاسی - اجتماعی ائمه است زیرا با این بستر شناسی به علل فعالیت زنان ولایت مدار در زمینه های خاص پی خواهیم برد، قلمرو زمانی در این پژوهش هفتاد و یک سال است و رویداد های سال های ۱۸۳ - ۲۵۴ قمری بررسی می شود؛ یعنی از دوران زعامت امام رضا - علیه السلام - تا پایان زعامت امام هادی - علیه السلام - تمامی روند هایی که عملاً در این چند سال زنان شیعه و علوی برای دفاع از ولایت انجام دادند مورد واکاوی قرار می گیرد. از این رو بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این دوران به عنوان پایه اساسی بحث، ضرورت دارد.

۱) اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر امام رضا(ع)

بیست سال از عمر ۵۵ ساله حضرت(۱۸۳ - ۲۰۳) در امامت و پیشوایی گذشت ده سال نخست آن با خلافت هارون عباسی(۱۸۳ - ۱۹۳) و پنج سال دیگر آن(۱۹۳ - ۱۹۸) در دوران خلافت امین و پنج سال پایانی آن در خلافت مامون سپری شد (یعقوبی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۴۲ - ۴۳۰) شیعیان در عصر امام رضا علیه السلام تا حدودی از جانب خلفا در آرامش به سر می بردند اما در زمان هارون بنا به دلایلی از آرامش نسبی برخوردار بودند نه مطلق (برای آگاهی بیشتر ر.ک: ابن بابویه، ۱۹۸۴، ج ۲، ص ۹؛ مجلسی، ۱۴۱۱، ج ۴۹، ص ۱۱۵ - ۱۱۶) آرام ترین دوره حیات امام و شیعیان به دلیل درگیری بین امین و مامون و مشغله های دستگاه خلافت در دوره خلافت امین بوده است از این رو شیعیان موفق شدند تا به آسانی و بیش از پیش با امام ارتباط برقرار کرده و از دانش و رهبری آن حضرت بهره مند شوند. (ابوالفرج اصفهانی، ۱۹۹۶م، ج ۱۸، ص ۴۷۳) پس از مرگ امین خلافت به دست مامون رسید. وی مرکز خلافت خویش را مرو - خراسان - قرار داد در حالی که مقر خلفای پیش از او بغداد بود. (رک: مسعودی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۳۹۷ - ۴۱۳) این دوران وضعیت سیاسی برای شیعیان وضعیتی مطلوب و آزاد به شمار می رفت. به نظر می رسد علل این مطلوبیت جایگاه بسیار والای امام در میان مردم . (ابن بابویه، ۱۹۸۴، ج ۲، ص ۱۶)، گماشتن علویان و شیعیان در مناصب والای حکومتی (ر.ک: احمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۴) و سپردن مقام ولایتعهدی به امام

غنّدره کنیزی بود که مامون عباسی به علی بن موسی علیه السلام بخشید (مجلسی، ۱۴۱۱، ج ۱۲، ص ۱۰۴) و همانگونه که در بخش محدثات ذکر شد وی توسط امام رضا علیه السلام مستبصره گردید، درباره این بانو مطالب خاصی یافت نشد اما از میان روایات می توان نقش یاریگری وی را به دو نوع تقسیم نمود الف: یآوری فرهنگی مذهبی ب: یآوری عملی

بنابر گزارش های تاریخی و روایات به دست آمده، غنّدره هم جزء محدثات بوده و با انتشار روایات عبادی و اخلاقی امام رضا علیه السلام در قالب یاریگری فرهنگی مذهبی نقش آفرینی می کرد و هم مخبره بوده و با آگاه کردن شیعیان از احوال امام رضا علیه السلام (همان) در قالب یاریگری فرهنگی و عملی نقش ایفا می نمود. از مطالب مذکور چنین برداشت می شود غنّدره تنها بانویی بوده که با انتسابش به حریم ولایت توانسته مورد اطمینان امام رضا قرار گیرد و اخبار مربوط به ایشان را به گوش شیعیان برساند.

جاریه مامون

او از کنیزان مامون عباسی بود، از شخصیت و مذهب وی در منابع حدیثی و تاریخی اطلاعی در دست نیست و تنها در منابع روایی از وی دو قطعه بیت در رثای علی بن موسی علیه السلام به دست آمده است (مجلسی، ۱۴۱۱، ج ۴۹، ص ۳۰) حزن این ابیات به حدی بود که منجر به تأثر مامون عباسی و اطرافیانش گشت.

ابیاتی که جاریه مامون سرود:

سقیالطوس و من اضحی بها قطناً من عتره المصطفی ابقی لنا حزناً.

باران رحمت سیراب سازد طوس و شخصی را که آنجا ساکن است از عترت مصطفی که رفت و اندوه و غم برای ما گذاشت.

از ابیات مذکور چنین برداشت می شود هر چند این جاریه به سفارش مامون این شعر را سرود اما نمی توان گفت وی هیچ حس مثبتی نسبت به علی بن موسی (ع) نداشته و اگر نسبت به این خاندان بی تفاوت بوده و یا از مخالفین می بود هرگز نمی توانست ابیاتی اندوهگین در رثای علی بن موسی بسراید و اطرافیان را متأثر نماید زیرا شعری که مطابق با احساسات شاعر نباشد نمی تواند بر مخاطبین تأثیر بگذارد. بدین لحاظ این جاریه توانست با سرودن دو بیت یاریگر فرهنگی ولایت گردد و نقش انتسابی اش - کنیز دربار - را مبدل به محقق نماید.

افزون بر مورد پیشگفته در دربار خلفای عباسی، زنان مشهوری نیز بوده اند که گرایش های خاصی نسبت به اهل بیت (ع) داشته اند. زبیده عباسی همسر هارون الرشید و مادر امین عباسی بود. هر چند وی در دربار می زیست و کاملاً نقشی درباری و سیاسی داشت همین گرایشات و رفتارهای او موجب شده است که برخی وی را از شیعیان امیرالمومنین - علیه السلام - تلقی کنند (ر.ک؛ شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۸۲؛ اعلمی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۷۸) به نظر می رسد گزارش های موجود موجب چنین قضاوتی شده باشد گرچه سنی بودن وی با توجه به موقعیت اجتماعی و سیاسی بیشتر است. وی در چند مورد نسبت به خاندان عصمت و طهارت ابراز محبت نموده است. در روایات از نیکوکاری و خدمات زبیده در

راه اسلام گزارش هایی یافت شده است اما آن چه در این نوشتار مورد توجه است نقش وی در رابطه با ولایت اهل بیت علیهم السلام می باشد. گزارش هایی از این دست در دو موضع قابل ذکر است؛ در مجلسی که شاعر در حضور زبیده و امین از خلافت آل رسول (ص) شعر گفت، زبیده نیز در تایید شاعر ابتدا خلافت را از آن علی بن ابیطالب و فرزنداناش دانست و سپس فرزندش را شایسته خلافت معرفی کرد. (اصفهانی، ۱۹۹۶، ج ۱۸، ص ۴۰۷).

نسبت دادن خلافت به خاندان عصمت و طهارت در دربار عباسیان در بحبوحه ولایتعهدی امین و مامون عباسی و زمانه مهجور کردن خاندان رسالت از ولایت، رفتاری قابل توجه است که حتی اگر یاریگری تلقی نشود نوعی اعتراف به غصب خلافت و شایسته بیان است. رفتار دیگر وی، هدیه دادن به شاعر برای مدح آل رسول است. (المتوکل، ۱۴۱۴، ص ۲۷۸) ارزش این عمل وقتی بیشتر نمود می کند که بدانیم در دربار و در حضور اشخاصی از جمله هارون عباسی که پیوسته کینه اهل بیت پیامبر اسلام را در دل داشت صورت می گیرد.

نتیجه گیری:

امامان و پیشوایان اسلام در راه پیشبرد اسلام نیازمند یاری زنان و مردان در زمینه های مختلف از جمله انتشار روایات با موضوعات گوناگون بودند. در سالهای ۱۸۳- ۲۵۴ شاهد خدمات متنوعی از شیعیان هستیم بنابراین بر اساس دستاورد تحقیق حاضر عده ای از زنان شیعی علاوه بر همسررداری و فرزند پروری توانستند با متعهد شدن به نقش های محوّل، محقق و انتسابی در دو قالب، یاریگر ولایت گردند؛ الف: محدثات ب: زنان یاریگر در امور سیاسی و اجتماعی

متن احادیث اکثر زنان محدثه به جا نمانده و منابع رجالی تنها به ذکر نام و شرح حال مختصری از آن ها بسنده نموده اند؛ بانوانی مانند کلثوم بنت سلیم، زهرا ام احمد بن الحسین، زینب بنت محمد، کلثوم الکرخیه، سیده خیزران، سمانه، سوسن، سعیده و عذرا. به هر روی از میان زنان محدثه عده ای بودند که در کنار نشر احادیث به طرق دیگری همچون یآوری سیاسی، فرهنگی نیز یاریگر خاندان رسالت بودند که مهم ترین آن ها ام احمد کنیز موسی بن جعفر (علیه السلام) و غنّدره کنیز علی بن موسی (علیه السلام) هستند، آن چه قابل بحث است این که اکثر روایات از زبان حکیمه بنت الجواد و فاطمه بنت الرضا است و از دیگر زنان راوی، تنها نامی در منابع رجالی بر جای مانده است. مادران ائمه نیز روایاتشان منحصر در کرامات و معجزات در هنگام ولادت و یا دوران بارداری است و از فاطمه بنت موسی بن جعفر تنها ۵ روایت به دست آمد و از دیگر خدمات ایشان چیزی ذکر نشده است. نکته مهمی که در مورد فاطمه بنت موسی بن جعفر می توان گفت این که روایات به جا مانده را خودشان ایراد کردند و از آن جا که روایاتشان در موضوع ولایت و دوستی اهل بیت است در این نوشتار ذکر نمودیم، البته با توجه به منابع رجالی نام شان جزء محدثات آمده است و چیزی از آن روایات به جا نمانده همانند اکثر زنان راوی. از میان زنان غیرمحدثه اکثر بانوان به جز زبیده عباسی از زندگی اختصاصی آنان مطلبی در دست نیست و تلویحاً در منابع حدیثی می توان به تحلیل نقش یاریگرانه آنان پرداخت و عده ای نیز همچون جاریه مامون عباسی علاوه بر زندگی اختصاصی از دین و مذهب وی نیز چیزی در دست نیست و تنها با ذکر ابیاتش می توان نقش یآوری وی را تحلیل نمود.

به نظر می رسد یآوری زنان از لحاظ کمیت و کیفیت نسبت به مردان محدود باشد اما آن چه قابل بحث است این که به علت نادیده انگاشتن جایگاه زنان در موارد بسیاری مورخان نیز از ذکر آنان صرف نظر نموده اند به هر حال نیاز به تلاش بیشتر پژوهشگران دارد تا نقش زنان را استخراج کرده و تحلیل نمایند.

جدول طبقه بندی زنان یاریگر

ردیف	بانوان	نسبت	نوع یآوری
۱	محدثات	مادران، خواهران، همسران، دختران، کنیزان	انتشار سخنان، معجزات و کرامات، اعمال و افعال (انتسابی، محول)
۲	ام احمد	کنیز و همسر	عملی زبانی و قلبی (محول و انتسابی)
۳	سعیده	کنیز و همسر	قلبی (انتسابی)
۴	پسنده	بی نسبت	عملی و مالی
۵	غئدره	کنیز	اشاعه احوال (محول، انتسابی)
۷	جاریه مامون	بی نسبت	سوگواری و هم دردی (محقق)

۱. المتوکل، عبدالله بن المعتز، طبقات الشعراء المحدثین، بیروت، دارالارقم بن ابی الارقم، ۱۴۱۴
۲. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، اخبارالنساء فی کتاب الاغانی، ج ۱۸، بیروت، بی نا، ۱۹۹۶
۳. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، ج ۸، تهران، موسسه الصادق، ۱۳۸۲
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبارالرضا، ج ۲، بیروت، بی نا، ۱۹۸۴
۵. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، چاپ اول، بی جا، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۵
۶. ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۱، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷
۷. ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا، تاریخ فخری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰
۸. انصاری، مرتضی بن محمد امین، التقیه، ج ۲، تهران، موسسه قائم آل محمد (عج)، ۱۲۸۰
۹. احمدی، حمید، تاریخ امامان شیعه، چاپ دوم، قم، نشر معارف، ۱۳۸۶
۱۰. امینی نجفی، عبدالحسین احمد، الغدیر، ج ۱، تهران، کتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳۶۸
۱۱. المصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۴ و ۵، چاپ اول، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۵
۱۲. علمی، محمد حسین، تراجم اعلام النساء، ج ۲، بی جا، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷
۱۳. العش، یوسف، تاریخ عصرالخلافة العباسیه، چاپ اول، بیروت، دارالفکر المعاصر، ۱۴۰۲ ق = ۱۹۸۲ م
۱۴. الشریف، احمد ابراهیم و احمد محمود، حسن، العالم الاسلامی فی العصر العباسی، چاپ اول، بی جا، مکتبه المتنبی، ۲۰۰۹
۱۵. آذربایجانی، مسعود، سالاری فر، محمدرضا، عباسی، اکبر، کاویانی، محمد و موسوی، سید مهدی، روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲
۱۶. جاسم، محمد حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، چاپ پنجم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷
۱۷. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، تاریخ نیشابور (محمد بن حسن خلیفه نیشابوری)، تهران، آگه، ۱۳۷۵
۱۸. خوئی، ابوالقاسم، معجم الرجال الحدیث، ج ۱۴ و ۲۳، قم، آثار شیعه، ۱۳۷۴
۱۹. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، تاریخ الخلفاء، چاپ اول، بیروت، عالم الکتب، ۲۰۰۳ م
۲۰. شوشتری، نورالله بن شریف الدین، مجالس المومنین، ج ۱، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷
۲۱. شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی (عزیزالله عطاردی)، چاپ دوم، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۷
۲۳. طبرسی، فضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، ج ۲، تهران، چاپخانه اسلامی، ۱۳۷۳
۲۴. عبدالجبار بن احمد، قاضی، المغنی فی ابواب التوحید و العدل، مصر، بی نا، بی تا

۲۵. عطاردی، عزیز الله، مسند الإمام الرضا أبي الحسن علي بن موسى عليهما السلام، آستان قدس، مشهد، ۱۴۰۶.

۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۳، بیروت، دار و مکتبه الهلال، بی تا.

۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، ج ۲ (جواد مصطفوی)، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامی، ۱۳۶۹

۲۸. کوئن، بروس، مبانی جامعه شناسی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، ۱۳۷۲

۲۹. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۳ و ۴ (ابوالقاسم پاینده)، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۳

۳۰. محمد بن محمد، شیخ مفید، تصحیح اعتقادات الامامیه، قم، کنگره هزاره شیخ مفید، ۱۳۷۲

۳۱. محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۸

۳۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، ج ۲، ۵، ۱۲، ۳۶، ۴۸، ۴۹ و ۵۷، قم، مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۱

۳۳. نیک خلق، وثوق و علی اکبر، منصوری، مبانی جامعه شناسی، تهران، بهینه، ۱۳۷۸

۳۴. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ج ۲، بیروت، دار العراق، ۱۳۷۵